

بررسی مؤلفه های دلائل نگاری نبوی (ص) در کتاب أعلام

النبوه اثر ابوحاتم رازی

محمدعلی چلونگر^۱ | مهناز کوهی^۲ (نویسنده مسئول)

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2021.11094.1213](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.11094.1213)

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۸

نوع مقاله: ترویجی

چکیده

دلائل نگاری در سیره نبوی (ص) به بررسی گزارش هایی می پردازد که به طور ویژه بر نشانه های پیامبری حضرت محمد (ص) به عنوان دلیلی برای اثبات نبوتش متمرکز شده اند. نوع پرداختن این نویسندگان به نشانه های پیامبری حضرت محمد (ص)، نشان می دهد که چه مؤلفه هایی در این گونه از سیره نگاری پیامبر مورد توجه آنها بوده، و این امر تا حد زیادی بر اساس مکتب کلامی و یا حدیثی این نویسندگان صورت پذیرفته است. اولین اثری که از اندیشمندان اسماعیلی در این موضوع ارائه شده، کتاب أعلام النبوه اثر ابوحاتم رازی (م ۳۲۲ ق) است. پژوهش حاضر به روش توصیف و تحلیل تاریخی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای در پی پاسخگویی به این سوال است که ابوحاتم رازی به عنوان یک متکلم مشهور اسماعیلی، به کدام مؤلفه های دلائل نگاری نبوی توجه نشان داده و آیا از این نظر با نویسندگان غیر اسماعیلی تفاوتی دارد یا نه؟ نتایج این تحقیق نشان می دهد که ابوحاتم با تقسیم بندی نشانه های پیامبری حضرت محمد به دلائل و معجزات، فعالیت پیامبر را در این امر به طور خاص مورد توجه قرار داده و از این نظر مشابه متکلمان و متفاوت از محدثان عمل کرده است. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش در این نکته نهفته است که کتاب ابوحاتم رازی، کهن ترین اثر اسماعیلی در موضوع مورد بحث بوده و تاکنون از نظر

۱ - استاد گروه تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، m.chelongar@yahoo.com

۲ - دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان mahnazkoochi@yahoo.com

نوع نگاه او به معجزات و نشانه‌های پیامبری حضرت محمد (ص)، موضوع هیچ تحقیقی قرار نگرفته است.
واژگان کلیدی: دلائل نگاری، أعلام النبوه، ابوحاتم رازی، اسماعیلیان، معجزه، دلائل.

مقدمه

دلائل نگاری در سیره نبوی (ص) به بررسی کتاب‌هایی می‌پردازد که با هدف اثبات پیامبری حضرت محمد (ص)، معجزات و دیگر نشانه‌های پیامبری ایشان را محور موضوعی خویش قرار داده‌اند. این آثار با عناوینی هم‌چون دلائل النبوه، أعلام النبوه، اثبات النبوه، تثبیت دلائل النبوی و نظایر آن، به طور مستقل از قرن سوم هجری به نگارش درآمده‌اند. پیش از آن، معجزات و نشانه‌های پیامبری حضرت محمد (ص) به طور پراکنده در کتاب‌هایی هم‌چون تواریخ عمومی، کتب سیره، مغازی و طبقات وجود داشته است. نویسندگان کتب دلائل طیف وسیعی از دانشمندان علوم دینی و طبیعی، کلامیون، محدثان، فلاسفه و دیگر اندیشمندان اسلامی بوده‌اند.
ابوحاتم رازی (م ۳۲۲ق) متکلم و داعی مشهور اسماعیلی در قرن سوم و چهارم هجری بود. کتاب أعلام النبوه او از مشهورترین آثار اسماعیلی است که در واقع به مناظره اعتقادی میان ابوحاتم رازی و محمدبن زکریای رازی (م ۳۱۳ق) دانشمند و فیلسوف مشهور ری پرداخته و ابوحاتم با ادله عقلی و نقلی در پی پاسخگویی به نقدهای وی بر اصول و اعتقادات اسلامی از جمله نبوت برآمده است. فرزند زکریای رازی معروف به جالینوس عرب (ابن ابی اصیبعه، ۲۰۰۱: ۱۳/۳) بزرگ‌ترین طبیب بالینی جهان اسلام در قرن سوم هجری و مشهور در غرب و شرق بود (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۵۳۱؛ ابن صاعد اندلسی، ۱۳۷۶: ۲۲۱). به گفته ابوریحان بیرونی (م بعد از ۴۴۲ق) رازی ۱۸۴ تألیف داشته که بیشتر آنها از بین رفته اند (بیرونی، ۱۳۷۱: ۵-۵۰). لازم به ذکر است که در کتاب أعلام النبوه، نامی از محمدبن زکریای رازی آورده نشده اما بر طبق نظر حمیدالدین کرمانی (م ۴۱۱ق)؛ دیگر متکلم اسماعیلی، مخاطب ابوحاتم در این کتاب، که با عنوان «ملحد» از او نام برده شده، فرزند زکریای رازی می‌باشد. در اینکه محمدبن زکریای رازی

چه اعتقادی درباره نبوت داشته اختلاف نظرهایی وجود دارد، زیرا هیچ یک از آثار او در این موضوع باقی نمانده است. ابوریحان بیرونی دو کتاب «فی النبوات و یُدعی نقض الادیان» و «فی حیل المتنبیین و یُدعی مخاریق الانبیا» را برای او نام برده است (بیرونی، ۱۳۷۱: ۱۷). حمیدالدین کرمانی (کرمانی، ۲۵۳۶: ۴)، ناصر خسرو (م ۴۸۱ ق) در جامع الحکمتین (ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ۱۲۶)، ابن صاعد اندلسی (م ۴۶۲ ق) در التعریف بالطبقات الامم (صاعد اندلسی، ۱۳۷۶: ۲۲۱)، ابوحاتم رازی (م ۳۲۲ ق) در أعلام النبوه (رازی، ۱۳۸۱: ۳) و ... او را به الحاد متهم کرده اند. البته برخی از این اتهام زندگان اسماعیلی بوده اند و گویا رازی در یکی از آثارش «فی الرد فی الامامه علی الکیال» نقدهایی بر اسماعیلیان وارد کرده است. مهدی محقق در کتابش با عنوان فیلسوف ری دلیل دیگری برای این امر ذکر می کند و آن اینکه از آنجا که با انکار نبوت، امامت نیز به طور ضمنی رد می شود، دانشمندان اسماعیلی بیش از همه در صدد برآمدن او را رد و نقض کنند (محقق، ۱۳۶۸: ۱۶۰).

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش تلویحی یافته است که ابوحاتم رازی به عنوان یکی از برجسته ترین فیلسوفان اسماعیلی سده های سوم و چهارم هجری، در کتاب أعلام النبوه، آنجا که به اثبات نبوت حضرت محمد (ص) پرداخته، چه مؤلفه هایی درباره نشانه های پیامبری وی ارائه داده و این مؤلفه ها چه تفاوتی با نویسندگان غیر اسماعیلی در موضوع مورد نظر داشته است؟

کتاب أعلام النبوه اثر ابوحاتم رازی با در نظر گرفتن گستردگی مباحث مطرح شده در آن، پیش از این، موضوع مقاله ای تحت عنوان «اثبات عقلانی نبوت در أعلام النبوه» به قلم رضا کی منش قرار گرفته است. کی منش در این مقاله در واقع به معرفی کتاب أعلام النبوه و شرح مختصر فصول آن پرداخته است. پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «جایگاه نبوت در نظر دو فیلسوف ری (محمد بن زکریای رازی و ابوحاتم رازی)» (۱۳۹۲) به قلم نیره کاظمی نیز با رویکرد فلسفی به تحلیل شرح مناظره و دیدگاه های بیان شده برای محمد بن زکریا و ابوحاتم رازی در أعلام النبوه، در موضوعات الهیات و کلام می پردازد. تفاوت مقاله حاضر با پژوهش های پیش گفته در این است که به طور خاص و با رویکرد تاریخی معجزات و نشانه های پیامبری حضرت محمد (ص) را در کتاب أعلام النبوه اثر ابوحاتم رازی مورد توجه قرار داده که پیش از این موضوع هیچ پژوهش مستقلی قرار نگرفته است.

تشریحی از نویسنده

احمد بن حمدان، ملقب به ابوحاتم رازی. قاضی عبدالجبار همدانی از وی با عنوان ابوحاتم احمد بن حمدان رازی کلایی نام می‌برد (عبدالجبار همدانی، بی تا: ۳۹۲/۲). ماهیت پیشه ابوحاتم رازی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین داعیان اسماعیلی، باعث شده است که او نام، لقب و نژاد خود را پنهان سازد؛ از این رو، در منابع توافقی بر سر نام و نژاد او وجود ندارد. سال تولد ابوحاتم نامعلوم است. بنابه گفته نظام‌الملک وی در پشاپویه (فشافویه) - نزدیک ری - به دنیا آمد (طوسی، ۱۳۴۴: ۲۸۵). این احتمال وجود دارد که او تحصیلات خود را در مدرسه دعاة یمن گذرانده و از آنجا به ری آمده است (غالب، ۱۹۶۴: ۹۷). ابوحاتم در ری ابوجعفر کبیر^۱، جانشین غیاث^۲، را به دلیل ابتلا به حملات مالیخولیایی خلع کرده خود جانشین او شد و توانست برخی از بزرگان منطقه جبال ایران از جمله احمد بن علی حاکم ری (حک ۳۰۷-۳۱۱ ق) و اسفار بن شیرویه را به اسماعیلیه متمایل کند (طوسی، ۱۳۴۴: ۲۳۵؛ بغدادی، ۱۳۳۳: ۲۹۵). در ادامه و پس از اینکه پیش بینی او در مورد تاریخ ظهور مهدی نادرست از آب درآمد (طوسی، ۱۳۴۴: ۲۳۶)، متواری شده و به آذربایجان گریخت (بنوی، ۱۳۷۴: ۲۹۳). وی از این زمان به باطنی، زندیق، ثنوی و دهری متهم شد و سال‌های آخر عمرش را در خفا زیست. او سرانجام در سال ۳۲۲ هـ ق درگذشت (غالب، ۱۹۶۴: ۹۸).

مقام علمی ابوحاتم رازی، جایگاهی به او بخشید که به عنوان هماهنگ کننده جوامع مختلف اسماعیلی در بخشی از ایران به شمار می‌آید (Ivanow, 1963: 25). حمیدالدین کرمانی او را یکی از «سداد طریقه» می‌داند (کرمانی، ۱۹۸۳: ۱۰۹). آثار ابوحاتم بدین قرار است: الزینة، أعلام النبوة، الاصلاح، الجامع و الرجعه (زرکلی، ۱۹۸۹: ۱/۱۱۹؛ ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۳۵۴؛ سزگین، ۱۳۸۰: ۱/۸۳۴؛ غالب، ۱۹۶۴: ۹۸ و بنوی، ۱۳۷۴: ۲۹۴).

مؤلفه های دلائل نگاری

با مطالعه کتاب‌های دلائل و بررسی نشانه‌های پیامبری که در آنها آمده است متوجه تکرار

۱. داعی اسماعیلی در جبال و جانشین غیاث. ابوحاتم با خلع او؛ به دلیل مالیخولیا، پنجمین داعی کل ری و پیشوای دعوت در جبال شد (طوسی، ۱۳۴۴: ۲۳۵).

۲. داعی اسماعیلی در جبال، آگاه به علم نحو و ادبیات عرب و صاحب کتاب البیان درباره اصطلاحات دینی. تاریخ وفات او نامعلوم است (طوسی، ۱۳۴۴: ۲۳۴).

الگوی مشخصی از این نشانه‌ها می‌شویم که با در نظر گرفتن زمان و نیز «فاعلیت» پیامبر در آنها، می‌توان تقسیم بندی زیر را به عنوان شاخصه‌های دلایل نگاری ارائه کرد:

الف- أعلام و پیشگویی هایی که در ادیان دیگر نسبت به ظهور حضرت محمد(ص) در آینده صورت گرفته است.

ب- ارهاسات که عبارت است از اتفاقات شگفت‌انگیزی که پیش از بعثت به وقوع پیوسته است و حاکی از نبوتی در آینده است. تفاوت آنها با معجزه در این است که معجزات پیامبر(ص) بعد از ادعای نبوت صورت می‌گیرد، در حالی که ارهاسات مربوط به پیش از تولد و بعثت اوست. ارهاسات ذکر شده درباره پیامبر(ص) را می‌توان در سه دسته جای داد:

۱. اتفاقاتی که در آستانه ولادت پیامبر(ص) روی داد.

۲. حوادثی که هنگام ولادت به وقوع پیوست.

۳. وقایعی که پس از تولد تا پیش از بعثت رخ داد.

ج- معجزات که پس از بعثت و توسط حضرت محمد(ص) به قصد دلیلی برای اثبات نبوتش ارائه شده اند و شامل مواردی هم‌چون قرآن، اخبار غیبی، دعاها و نفرین‌های مستجاب شده، برکت دادن به آب و غذا، معراج، شق القمر و مواردی از این دست می‌شود.

۱- مؤلفه های دلایل نگاری نبوی از دید ابوحاتم رازی

أعلام النبوه از مشهورترین آثار ابوحاتم رازی و در عین حال یکی از آثار مهم اسماعیلی در زمینه پاسخ به شبهات دینی به شمار می‌رود. مناظره در دربار مرداویج بن زیار در ری و در حضور علما و دانشمندان دیگر انجام شده است (کرمانی، ۲۵۳۶: ۳). این مناظره در مباحث الهیات و ادیان آسمانی در موضوعات فلسفی، پیدایش لغات و زبان‌ها، علم طب، داروشناسی، نجوم، مقارنه و مقایسه ادیان و کتب آسمانی، بعثت و معجزات پیامبران، اخلاق و معجزات خاص پیامبر اکرم (ص) و قرآن، پاسخ به ملحدان جهان، اوضاع جغرافیایی و سیاسی و دینی و علمی مسلمانان در قرن سوم هجری و مقام شامخ ائمه معصومین، اوضاع ایران به ویژه ری و بحث تفسیری قرآن و علم الحدیث و احادیث موضوعه و علت پیدایش مذاهب مختلف در ایران و هند و بسیاری از مباحث کلامی و عقلی صورت گرفته است.

علت برجسته شدن این کتاب در میان آثار اسماعیلی دو نکته است:

الف- چنین بحثی میان دو فیلسوف و اندیشمند هم‌عصر انجام شده و آنها با دو جهان‌بینی

کاملاً متفاوت درباره مسائل ماوراءالطبیعی و دینی به مناظره می‌پردازند.
ب- اعلام النبوه اولین کتاب اسماعیلی است که علیه فیلسوفی منکر ضرورت وحی و نبوت نوشته شده است؛

در نتیجه به عنوان منبعی مهم برای آثار مشابه در زمان‌های بعد به شمار می‌رود (رازی، ۱۳۸۱: ۹). شیوه ابوحاتم در نوشتن این کتاب استدلالی و روایی است. او خود را مقید به ذکر روابیان احادیث نمی‌کند؛ بنابراین ذکری از سلسله سند به میان نمی‌آورد و منابع وی در این کتاب مشخص نیست.

به این دلیل که پیش از اعلام النبوه هیچ اثر اسماعیلی به بحث معجزات و دلائل پیامبر (ص) پرداخته است، به نظر می‌رسد همین کتاب منبعی برای دیدگاه‌های پسینی اسماعیلیه هم قرار گرفته باشد. آنگونه که اسماعیلیان دو راه شناخت پیامبران را وحی و معجزه می‌دانند (سلطانی، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۷۵)، ابوحاتم در اثبات پیامبری حضرت محمد (ص) این دو را از نظر دور نمی‌دارد. ابوحاتم رازی نشانه‌های پیامبری حضرت محمد (ص) را در دو مقوله ارائه می‌دهد: دلائل و معجزات. او به تمامی وقایعی که پیش از بعثت حضرت محمد (ص) و در ارتباط با پیامبری او در جهان روی داده و حاکی از نبوت وی است، اما ایشان خود در رویداد آن نقشی نداشته دلائل می‌گوید و معجزات را تنها به بعد از بعثت مربوط می‌داند (رازی، ۱۳۸۱: ۱۹۳). بر این اساس دلائل نبوت حضرت محمد (ص) در این کتاب عبارتند از: بشارات انبیای پیشین، سخنان کاهنان گذشته درباره حضرت محمد (ص)، حوادث زمان ولادت ایشان و سخن گفتن حیوانات درباره نبوت حضرت محمد (ص). او معجزه را اسبابی معرفی می‌کند که تنها پیامبران می‌توانند ارائه کنند. به عقیده وی، انبیا برای اینکه دشمنان را عاجز کنند معجزات را می‌آورند و این دلیل درستی ادعای نبوت آنهاست (رازی، ۱۳۸۱: ۱۹۳). معجزاتی که در این کتاب برای پیامبر (ص) برشمرده شده عبارتند از: اخبار غیبی، برکت دادن به غذا، معجزات مرتبط با آب، نفرین، معراج، شق القمر، قرآن و اخبار غیبی آن که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۱- دلائل

از دید ابوحاتم رازی، دلائل به آن دسته از نشانه‌های پیامبری حضرت محمد (ص) گفته می‌شود که خود در رخ دادن آن نقشی نداشته، و نشانه‌ای از جانب خداست که بر نبوت او دلالت می‌کند و موارد زیر را در بر می‌گیرد:

۱-۱-۱- أعلام و پیشگویی های ادیان دیگر درباره ظهور حضرت محمد(ص)

بشارات انبیاء پیشین یکی از علائم مهمی است که در بیشتر کتاب های دلائل مورد توجه قرار گرفته و از مهم ترین نشانه های پیامبری محمد(ص) است. قرآن نیز به عنوان مهم ترین معجزه مورد قبول حضرت محمد (ص) بر این امر صحنه گذاشته است.^۱ ابویعقوب سجستانی (م ۳۳۱ ق) از داعیان بزرگ اسماعیلی در سیستان و خراسان بود که کتاب اثبات النبوات خود را در تأیید أعلام النبوه ابوحاتم رازی به نگارش درآورد (سجستانی، ۱۹۸۶: ۵). او به عنوان یکی از متکلمان برجسته اسماعیلی، در کتاب کشف المحجوب خود پیامبران را به مشابه اندام های «کالبد پیغمبری» می داند که تنها با وجود همه آنها رسالت کامل می شود. و بنابراین اگر پیغمبر پیشین به پیغمبر پسین مژده ندهد انکار وی عجیب نخواهد بود (سجستانی، ۱۳۲۷: ۷۳-۷۶). ابوحاتم رازی هم در أعلام النبوه اخباری از تورات ارائه می دهد که یا از حضرت موسی است یا از پیامبرانی هم چون حبقوق (رازی، ۱۳۸۱: ۱۹۷)، ایشعیا (رازی، ۱۳۸۱: ۱۹۶ و ۷)، دانیال نبی (رازی، ۱۳۸۱: ۱۹۷)، ارمیا (رازی، ۱۳۸۱: ۱۹۸) و یوشع (رازی، ۱۳۸۱: ۱۹۸).

«در تورات است که: خداوند از سیناء آمد و از ساعیر روشنی بخشید و از کوه های فاران

درخشید. سفر تشبیه / ۲۳.»

ابوحاتم رازی در تفسیر این آیه می گوید آمدن خداوند از کوه سیناء به آمدن حضرت موسی اشاره دارد، چرا که خداوند به وی در طور سیناء الواح را عطا فرموده و اشراق خداوند از ساعیر یعنی خروج مسیح، چرا که مسیح از ساعیر؛ اراضی جلیل روستایی به نام ناصره بوده است. مقصود از درخشیدن خدا از کوه های فاران، ظهور محمد است از مکه؛ چرا که فاران همان مکه است. در تأیید این سخن ادامه می دهد که در تورات آمده است که اسماعیل در بیابان فاران تعلیم تیراندازی می کند و این همان حقیقتی است که شکی در آن نیست که اسماعیل در مکه به دنیا آمد رشد کرد و در همانجا تیراندازی آموخت (رازی، ۱۳۸۱: ۱۹۵). وی گزارشی از انجیل نیز ارائه می دهد که مسیح گفت: «من می روم و بزودی فارقلیط به سوی شما می آید. آن روح حقی که از سوی

۱. برای نمونه آیه ۱۵۷ سوره اعراف: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الْمَطْبِئَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

و آیه ۶ سوره صف: «و إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ»

«نفس» خود سخن نمی‌گوید و به شما همه چیز می‌آموزد و به نفع من شهادت می‌دهد همان گونه که من به سوی او شهادت دادم، و مانند من صاحب شریعت است و پس از او کسی به پیامبری برنخواهد خواست» (رازی، ۱۳۸۱: ۱۹۶).

۲-۱-۱- ارهاصات

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های پیامبری حضرت محمد (ص) که ابوحاتم رازی آن را در زمره دلایل به شمار می‌آورد، رویدادهای مربوط به پیش از بعثت ایشان است که امروزه با عنوان ارهاصات^۱ از آنها یاد می‌شود.

ارهاصات حضرت محمد (ص) که ابوحاتم به آنها اشاره کرده است عبارت اند از:

الف- اتفاقاتی که در آستانه ولادت پیامبر (ص) روی داد:

لرزیدن ایوان کسری و فروریختن چهارده کنگره از آن، که این حادثه شگفت انگیز موجب انبوه پادشاه ایران و همه وزیران وی و نیز ناراحتی موبدان درباره وی شد. کسری از موبدان علت این خرابی را جویا شد. موبد بزرگ گفت: من هم امشب به خواب دیدم که شترانی سخت بزرگ و قوی، لشکری گران از اعراب را بر پشت خود دارند و از دجله گذشته و وارد سرزمین عجم شدند. مدتی بعد از عامل پادشاه ایران نامه‌ای رسید با این مضمون که: آتشکده فارس که به مدت هزار سال روشن بوده همان شب خاموش شده است. کسری ناراحت شد و دستور به تحقیق بیشتر داد. به او گفتند: در بلاد عرب حادثه‌ای بزرگ رخ خواهد داد. پس به نعمان بن منذر که بزرگ اعراب بود نامه‌ای نوشت و خواستار پاره‌ای توضیحات شد. نعمان شخصی را به نزد کسری فرستاد که راهنمای او به سمت کاهن مشهور عرب به نام «سطیح» شد که در شام می‌زیست. سطیح خواب کسری را اینگونه تعبیر کرد که هرگاه اعجاز فراوان شد و رود سماوه پر آب و دریای ساوه خشک شد، صاحب دعوت به آواز بلند مبعوث خواهد شد. زمانی که از فارسیان چهارده نفر به تعداد کنگره‌های طاق کسری پادشاهی کنند... (رازی، ۱۳۷۷: ۳۵۸). ابوحاتم داستان‌های دیگری از کاهنانی که آمدن محمد (ص) را بشارت داده بودند نقل می‌کند (رازی، ۱۳۸۱: ۲۰۳).

^۱ ارهاص در اصطلاح متکلمان، حوادث خارق‌العاده یا شگفتی است که در آستانه یا زمان تولد تا پیش از بعثت انبیا، برای فراهم ساختن بستر و زمینه نبوت ایشان به وقوع می‌پیوندد. تفاوت ارهاص با معجزه در این است که ارهاص، پیش از زمان دعوت و بدون تحدی (مبارزه طلبی) است (طوسی، ۱۴۵۰: ۳۷۳).

ب- سخنان کاهنان و متولیان بت‌ها و بتکده‌ها

از جمله:

داستانی از عبدالمطلب که بعد از تولد محمد (ص) از درون بت هبل و یا از دیوار کعبه شنید که: «این سید امتها از عرب و عجم است و رسول خدای صاحب نعم است و شرک و بت پرستی را باطل خواهد کرد» (رازی، ۱۳۸۱: ۲۰۰). و یا داستان عباس بن مرداس بن سلمی که از «ضمار» بت بنی سلیم سخنانی شنید مبنی بر اینکه بت‌ها هلاک شده و اهل مسجد زندگی خواهند کرد. و به آمدن پیامبری به نام محمد (ص) بشارت داد (رازی، ۱۳۸۱: ۲۰۱).

ج- کلام حیوانات و چهارپایان درباره نبوت محمد (ص)

«اهبان بن اویس اسلمی با گله‌ای از گوسفندان بود و گرگی را دید که به آهوئی حمله کرد و آن را گرفت. اهبان به گرگ حمله کرد و آهو را از چنگ او نجات داد. گرگ کمی دورتر از اهبان بر روی زمین نشست و به وی گفت: بین من و تو چه چیز است؟ آن روزی را که خلواند به من داده از من گرفتی؟ اهبان گفت: واعجبا.. گرگی سخن می‌گوید؟! گرگ پاسخ داد: عجیب‌تر از سخن من آن است که رسول خدا (ص) بین این نخلستان اخبار گذشتگان و آیندگان را به مردم می‌گوید و کردم را به عبادت خدای رحمان می‌خواند و شما مردم سرکشی می‌کنید و جز به عبادت بت‌ها سر فرود نمی‌آورید. این بود که اهبان به حضور رسول الله آمد و ایمان آورد. قصه اهبان مشهور است و اولاد این اهبان هنوز هستند و تا روزگار ما نامشان و اولادشان «سخن گوی با گرگ» است (رازی، ۱۳۸۱: ۲۰۱-۲۰۲).

ابوحاتم داستان‌های متعددی نظیر این، از شترولید بن مغیره مخزومی و یا سخن گفتن آهوئی با هشام بن سعید درباره پیامبری به نام احمد که به تازگی متولد شده است، داستانی از گوسفند بنی غفار، اسب حلیمه و مانند آن نقل کرده است (رازی، ۱۳۸۱: ۲۰۲-۴).

لازم به ذکر است که یکی از نشانه‌های نبوت که پیش از بعثت روی داده است و پیامبر (ص) اگرچه در آن حضور داشته است اما قصدی در آوردن آن نداشته، معجزات مربوط به دوران کودکی وی تا پیش از نبوت است که در بیشتر کتاب‌های دلائل النبوه از جمله کتاب ابوبکر بیهقی داستان‌های مفصلی در این زمینه آمده است، اما ابوحاتم رازی با سکوت از کنار آن رد شده است و نمونه‌ای از این نوع معجزه را در أعلام النبوه وی مشاهده نمی‌کنیم.

۲-۱- معجزات^۱

بخش دیگری از نشانه‌های پیامبری حضرت محمد (ص) که بدلیل قصد و اراده پیامبر(ص) در ارائه آنها از تمامی نشانه‌هایی که پیشتر به آن اشاره شد متمایز است، معجزات وی می‌باشد. ابوحاتم به قرآن به عنوان مهم‌ترین معجزه پیامبر اسلام (ص) توجه ویژه نشان داده و در عین حال معجزات دیگری که برای وی برشمرده شده را نیز از نظر دور نداشته است. یکی از معجزات پیامبر (ص) اخبار غیبی بود که خبرهایی را در بر می‌گرفت که ایشان دربارهٔ حوادث آینده می‌داد و بعدها چه در زمان خود وی و چه پس از رحلتش درستی آن به اثبات می‌رسید. برخی از این اخبار که ابوحاتم نیز در کتابش به آن اشاره کرده است عبارت بودند از داستان مرگ نجاشی و نماز پیامبر (ص) بروی؛ در حالی که مدتها بعد خبر درگذشت وی رسید (رازی، ۱۳۸۱: ۲۰۷) و داستان باذان فرستادهٔ کسری پادشاه ایران و خبری که پیامبر (ص) در مورد کشته شدن کسری به دست فرزندش شیرویه به آنها داد و مدتی بعد درستی این خبر اثبات شد و باذان اسلام آورد (همان، ۲۰۷).

«پیامبر (ص) قاصدی را به نام حذافه فرزند قیس سهمی به همراه نامه‌ای به سوی کسری فرستاد و چون قیس به کسری رسید و نامه پیامبر (ص) را بروی خواند. کسری نامه پیامبر (ص) را پاره کرد و گفت: آیا چنین نامه‌ای به من می‌نویسد درحالی که اسیر من است؟ و فرمان داد به قاصد پیامبر (ص) کف دستی از خاک بدهند پس از این واقعه حضرت محمد (ص) فرمود: کسری به دست خودش مملکت خود را قطعه قطعه کرد و مرا بر قسمتی از اراضی مملکت خود مالک قرار داد» (رازی، ۱۳۷۷: ۲۱۰).

از دیگر معجزات مربوط به اخباری که پیامبر از آینده داده است آنکه به علی (ع) فرمود: «تو با ناکثین و قاسطین و مارقین خواهی جنگید». سالها بعد علی (ع) با آنها جنگید. یا اینکه در غزوه عسیره، خاکی را که بر سر صورت حضرت علی (ع) نشسته بود از روی او زدود و فرمود: ای ابوتراب! آیا تو را به شقی ترین مردم آگاه نسازم؟.. شقی ترین مردم دو مردند اول مردک سرخ موی قوم ثمود که ناقه‌ی صالح را پی کرد و دیگر آن کسی که بر تو ضربت وارد می‌کند و دست

۱. اموری خارق العاده که خداوند برای اثبات پیامبری هریک از انبیاء در مقابل منکران و دیگر مردم، در اختیارشان قرار داده است. معجزه فعلی است که مردم از انجام آن عاجز باشند. واژهٔ معجزه از مصدر اعجاز مشتق از ریشهٔ ثلاثی مجرد «عجز» است که به معنای ضعف و ناتوانی می‌باشد (احمدین فارس، بی‌تا: ۲۲۳).

خود را بر جلوی سر علی (ع) گذاشت و فرمود اینجا ضربت وارد می شود... (رازی، ۱۳۸۱: ۲۱۰) ابوحاتم چنین گزارش هایی از آینده را درباره عمار و ابوذر و فاطمه (س) نیز ارائه کرده است (رازی، ۱۳۸۱: ۱۱-۱۳).

از دیگر معجزات پیامبر (ص) که ابوحاتم نقل کرده و تقریباً در تمامی کتاب های دلایل مصداق هایی از آن ذکر شده، برکت دادن ایشان به غنایی کم بوده است؛ به طوری که افراد بسیاری از آن خورده و آشامیده و سیراب شده اند. از جمله داستانی که علی (ع) نقل می کند: زمانی که آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» نازل شد پیامبر (ص) به من فرمود: برای من به اندازه یک صاع^۱ از غنا آماده کن و پای گوسفندی بر آن بگذار و طشتی بزرگ از شیر هم باشد. من چنین کردم و فرزندان عبدالمطلب جمع شدند در آن زمان تعداد ایشان حدود چهل نفر بود. پیامبر (ص) غنا را طلب کرد و با دست خود قطعه ای از گوشت را گرفت و آن را شقه کرده و در نواحی سینی قرار داد و فرمود: بگیرید به نام خدا. همه خوردند و سیر شدند و پیامبر امر فرمود نوشیدنی بیاورم. من نیز ظرف بزرگ شیر را آوردم. همه از آن خوردند. زمانی که پیامبر می خواست لب به سخن بگشاید ابولهب گفت: محمد ما را سحر کرد. همه پراکنده شدند و پیامبر دیگر سخنی نگفت. فردای آن روز به من فرمود: ابولهب پیش از من حرف زد و قوم را متفرق ساخت. همانطوری که دیروز غنا آماده کردی باز هم انجام بده. من مانند روز گذشته وظایفم را انجام دادم و فرزندان عبدالمطلب جمع شدند. پیامبر مانند روز گذشته با دست خود غنا را تقسیم کرد. مهمانان خوردند و نوشیدند تا همه سیر و سیراب شدند. پس از آن پیامبر شروع به سخن گفتن کرد: «همانا خلوند به من امر کرده است که من اقوام نزدیک خود را انذار کنم و بترسانم». این حدیث مشهور انذار، یوم النار گفته می شود (رازی، ۱۳۷۷: ۲۱۳).

ابوحاتم از معجزات پیامبر (ص) در اثر دعا و نفرین نیز یاد کرده است: از جمله نفرین بر قبیله مضر که نبوت او را تکذیب کرده بودند: «پروردگارا سنگینی و فشار خود را بر طایفه مضر وارد ساز. سالهای قحطی را بر این قوم برانگیزان، همچون سالهای قحط یوسف باریدن باران را بر ایشان منع فرمای». با اجابت این نفرین چنان خشکسالی بر این طایفه آمد که همه گیاهان و درختان خشک شدند و همه چهارپایان و جنبندگان مردند و طایفه مضر از گرسنگی پنبه می جویند و قورباغه را می پختند (رازی، ۱۳۸۱: ۲۱۶). ابوحاتم داستان های متعددی از اینگونه

۱. واحد اندازه گیری که بر حسب کیلو، حدود سه کیلو گرم بوده است.

اجابت دعا و نفرین را برای پیامبر (ص) ذکر کرده است.

قرآن به عنوان مهم‌ترین معجزه پیامبر اسلام (ص)، در اعلام النبوه نیز مورد توجه ویژه نویسنده قرار گرفته است. او قرآن را معجزه می‌نامد چون کسی قادر نیست مانند آن را بیاورد (رازی، ۱۳۸۱: ۲۲۹). ابوحاتم از اخبار غیبی که در قرآن آمده مانند صلح حدیبیه و جنگ ایران و روم، که درستی آنها بعدها مشخص شده، به عنوان یکی دیگر از نشانه‌های نبوت حضرت محمد (ص) یاد می‌کند (رازی، ۱۳۸۱: ۲۱۸).

از دیگر معجزاتی که مورد توجه و اشاره ابوحاتم رازی قرار گرفته است دو معجزه معروف پیامبر (ص) یعنی معراج و واقعه شق القمر می‌باشد. ابوحاتم تا جایی که می‌تواند هر کدام از نشانه‌های نبوت را که ذکر می‌کند آیات قرآنی که دلالت بر آن معجزه دارد را نیز می‌آورد. وی حدیث شق القمر را اینگونه ذکر می‌کند: ابوجهل به محمد (ص) گفت: اگر فرستاده خدا هستی معجزه‌ای بیاور تا به تو ایمان بیاورم. پیامبر (ص) از خدا درخواست کرد و ماه به دو نیم شد و دو نیمه آن را بر کوه ابوقبیس دیدند. ابوجهل این معجزه را به سحر و جادو تعبیر کرد (رازی، ۱۳۷۷: ۲۲۳).

ابوحاتم درباره معراج می‌گوید: خداوند ملکوت آسمان‌ها و زمین را در شب اسری به پیامبر نشان داد. چون شب گذشت داستان معراج را برای مردم روایت کرد. پس از این واقعه بود که آیه نازل شد^۱ و بعد پیامبر (ص) بیت المقدس را چنان که دیده بود وصف کرد: در ضمن راه گذر کردم به قافله بنی فلان در وادی فلان، و من متوجه مسجد اقصی بودم. بر اثر حرکت جنبنده‌ای شتری از ایشان رم کرد و قوم شتر را گم کردند و من آنها را راهنمایی کردم و شتر را یافتند. در برگشت از مسجد اقصی بر قافله بنی فلان گذر کردم. قوم خوابیده بودند و ظرفی داشتند که در آن آب بود و روی ظرف را پوشانده بودند. من پرده از آن برداشتم و آب را نوشیدم و روی آن را مثل اول پوشاندم. نشان درستی سخن من این است که این قافله الآن از بیابان به دره تنعیم می‌رسد و جلوتر از همه شتری است به این گونه رنگ که بر آن شتر دوماها راست یکی سیاه یکی هم به رنگ سیاه و سفید قوم به آن سو دویدند و اولین چیزی که دیدند همان شتری بود که پیامبر توصیف کرده بود. مکیان از اهل قافله درباره ظرف آب سرپوشیده پرسیدند آنان پاسخ دادند که ظرف پر از آب را سرپوشیده گذاردیم، پس از خواب ظرف را سرپوشیده اما خالی دیدیم.

۱. آیه ۱ سوره اسرا: «سُحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ».

عده ای دیگر از اهل مکه، از همین قافله نشان شتر گمشده را پرسیدند و پاسخ شنیدند: شتری از ما فرار کرد. ما صدای مردمی را شنیدیم که ما را دلالت می کرد. رفتیم و شتر را گرفتیم. این گونه است دلالات آیات قرآن کریم که بدان «ناطق» است (رازی، ۱۳۸۱: ۲۲۲).

مقایسه مؤلفه‌های دلایل نگاری ابوحاتم رازی با دیگر نویسندگان دلایل

از قرن سوم به بعد کتاب‌های زیادی با عنوان دلایل النبوه و مانند آن به نگارش درآمدند که امروزه تنها تعداد اندکی از آنها باقی مانده است. بنابراین نمی‌توان با قاطعیت، مؤلفه‌های دلایل نگاری ابوحاتم رازی را مبنای گزارش‌های پس از او در این موضوع دانست. از میان این آثار، تنها الدین و الدوله فی اثبات نبوت النبی محمد اثر ابن ربن طبری، پیش از اعلام النبوه نوشته شده که به طور خاص بر بشارات انبیای پیشین متمرکز است. این مؤلفه مورد توجه بیشتر دلایل نگاران واقع شده و علاوه بر ابوحاتم رازی و ابن ربن طبری، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب بصری، معروف به ماوردی (م ۴۵۰ ق) در اعلام النبوه (ماوردی، ۱۴۰۹: ۱۵۰-۱۵۷)، ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق) (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۱-۷۹) و احمد بن حسین بن هارون أقطع مشهور به مؤید زیدی (م ۴۲۱ ق) در اثبات نبوت النبی محمد (ص) (زیدی، بی تا: ۱۵۷-۱۸۹) به آن پرداخته اند.

گزارش‌های جالب و متعددی از دوران پیش از بعثت پیامبر (ص)، آمیخته با معجزات متعدد در کتاب‌های دلایل آمده است که مفصل‌ترین آنها را می‌توان در کتاب دلایل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه اثر ابوبکر بیهقی (م ۴۵۸ ق) یافت. ابونعیم اصفهانی در دلایل النبوه (اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۲-۱۳۹)، تیمی اصفهانی در دلایل النبوه (تیمی، ۱۴۰۹: ۳۱-۳۳)، ماوردی (ماوردی، ۱۴۰۹: ۲۰۵-۲۱۲) و ابوسعید خرگوشی (م ۴۰۷ ق) در شرف النبی (خرگوشی، ۱۳۶۱: ۲۶-۲۲) نیز به این معجزات و رویدادهایی از این دست اشاره کرده اند.

مؤلفه دیگر مورد توجه ابوحاتم رازی یعنی کلام و رفتار بهائم و نباتات، در گزارش‌های ماوردی (ماوردی، ۱۴۰۹: ۱۴۳)، بیهقی (بیهقی، ۱۴۰۵: ۱/۲۵۹)، ابونعیم (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۱۷-۳۳۷)، تیمی اصفهانی (تیمی، ۱۴۰۹: ۴۵-۴۶) و خرگوشی (خرگوشی، ۱۳۶۱: ۱۵۳) نیز آمده است. این نوع از دلایل نبوت از نظر زمانی، هم به پیش از زمان بعثت وی برمی‌گردد و هم در دوران پیامبری ایشان روی داده است.

در همه آثار دلایل نگاری در سیره پیامبر (ص) به معجزه‌های ایشان اشاره شده است. قرآن و

معجزات وارده در آن از جمله پیشگویی‌های آن و معجزاتی از قبیل شق القمر و معراج مورد توجه همه نویسندگان دلائل قرار گرفته است. از دیگر معجزات ذکر شده می‌توان به اخبار غیبی پیامبر (ص) (مؤید زیدی، بی تا: ۲۵۵-۲۶۰؛ ماوردی، ۱۴۰۹: ۱۳۶-۱۳۸؛ تیمی اصفهانی، ۱۴۰۹: ۸۴-۹۱-۸۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۳۵۵/۲؛ طبری، ۱۳۹۳: ۷۶-۹۷؛ ابونعیم، ۱۴۱۲: ۴۶۹/۲-۴۷۳)، دعاها و نفرین‌های مستجاب شده (مؤید زیدی، بی تا: ۲۶۵؛ طبری، ۱۳۹۳: ۶۷-۷۹؛ ابونعیم، ۱۴۱۲: ۷۵/۱؛ ماوردی، ۱۴۰۹: ۱۲۷-۱۳۴؛ تیمی اصفهانی، ۱۴۰۹: ۱۶۱-۱۶۲) و برکت دادن به آب و غذا (طبری، ۱۳۹۳: ۷۱؛ ابونعیم، ۱۴۱۲: ۱۵۵/۱-۱۵۷ و ۳۳۹/۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۱۷۳/۲؛ تیمی اصفهانی، ۱۴۰۹: ۳۶-۱۰۶-۱۰۷؛ ماوردی، ۱۴۰۹: ۲۱۰؛ مؤید زیدی، بی تا: ۲۶۶-۲۷۰) اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

أعلام النبوه اثر ابوحاتم رازی (م ۳۲۲ ق) متفکر و فیلسوف و داعی مشهور اسماعیلی، در زمره اولین کتاب‌هایی به شمار می‌رود که در موضوع دلائل نگاری نبوی به نگارش درآمدند. اگرچه بخش عمده کتاب، به پاسخ‌های ابوحاتم به نقدهای محمدبن زکریای رازی بر اصول و اعتقادات اسلامی اختصاص یافته، ابوحاتم برای اثبات نبوت پیامبر اسلام (ص) به بیان و در پاره‌ای موارد تبیین معجزات وی پرداخته است. مؤلفه‌هایی که ابوحاتم در پرداختن به نشانه‌های پیامبری حضرت محمد (ص) مورد توجه قرار داده عبارتند از دلائل؛ شامل بشارات انبیای گذشته، حوادث مربوط به زمان تولد پیامبر (ص) و کلام و رفتار بهائیم و نباتات، و معجزات که شامل اخبار غیبی، دعا و نفرین‌های مستجاب شده، برکت دادن به آب و غذا، قرآن، شق القمر و معراج می‌باشند. اگرچه شباهت‌های زیادی در نوع معجزات مطرح شده در أعلام النبوه با کتاب‌های دلائل وجود دارد، تفاوت مهمی که می‌توان در آثار ذکر شده یافت به مکاتب حدیثی و کلامی نویسندگان برمی‌گردد. با این توضیح که در میان آثار بازمانده از دلائل نگاری هیچ اثری از امامیه مشاهده نمی‌شود، نویسندگان معتزلی، اسماعیلی و زیدی که رویکرد استدلالی در نگارش دلائل النبوه داشته‌اند «فاعلیت» پیامبر (ص) را در ارائه معجزات از نظر دور نداشته و میان انواع معجزات وی تفاوت قائل شده‌اند. ابوحاتم رازی در ارائه تقسیم بندی ویژه‌اش این امر را مدنظر قرار داده است. قاضی عبدالجبار همدانی، تنها به معجزات و نشانه‌های پیامبری حضرت محمد (ص) که پس از بعثت واقع شده پرداخته است و مؤید زیدی بخش عمده کتابش را به قرآن

اختصاص داده است. ماوردی و محدثان دیگر؛ ابونعیم اصفهانی، ابوبکر بیهقی، تیمی اصفهانی، ابوبکر فریابی نیز در مجموعه های حدیثی خویش تمامی نشانه های پیامبری حضرت محمد (ص) را بدون درنظر گرفتن وجه تمایز خاصی روایت کرده اند.

منابع و مأخذ:

- ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم (۲۰۰۱)، **عیون الأنباء فی طبقات الأطباء**، قاهره: الهیئة المصریة العامه للكتاب.
- ابن صاعد اندلسی، صاعد بن احمد (۱۳۷۶)، **التعریف بالطبقات الامم**، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶)، **الفهرست**، ترجمه محمدرضا تجدد، بی جا: چاپخانه بازرگانی ایران.
- احمد بن فارس (بی تا)، **مقاییس اللغة**، به تحقیق محمد هارون، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- اصفهانی، ابونعیم (۱۴۱۲)، **دلائل النبوه**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بلوی، عبدالرحمن (۱۳۷۴)، **تاریخ اندیشه های کلامی در اسلام**، ترجمه حسین صابری، مشهد بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۷۱)، **فهرست کتاب های رازی**، ترجمه رساله ابی ریحان فی فهرست کتب الرازی، تصحیح و ترجمه مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- بغدادی، عبدالقاهر (۱۳۳۳)، **الفرق بین الفرق در تاریخ مذاهب اسلامی**، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران: اشراقی.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵)، **دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- تیمی اصفهانی، اسماعیل بن محمد بن فضل (۱۴۰۹)، **دلائل النبوه**، ریاض: دارالطیبه.
- خرگوشی، ابوسعید واعظ (۱۳۶۱)، **شرف النبی**، ترجمه نجم الدین محمد راوندی، تهران: بابک.
- رازی، ابوحاتم (۱۳۸۱)، **اعلام النبوه**، تهران: موسسه حکمت و فلسفه.
- رنجبر، محسن، «**ارهاصات در زندگی پیامبر اکرم از منظر تاریخ**»، تاریخ در آینه پژوهش، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸، صص ۴۳-۶۴.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹)، **الاعلام**، بیروت: دارالملايين.

- زیدی، احمد بن حسین (بی تا)، اثبات نبوت النبی، تحقیق خلیل بن احمد ابراهیم الحاج، بی جا: مکتبه العلمیه.
- سجستانی، ابویعقوب (۱۹۸۶)، **اثبات النبوات**، تحقیق عارف تامر، بیروت: دارالمشرق.
- سجستانی، ابویعقوب (۱۳۲۷)، **کشف المحجوب** رساله در آیین اسماعیلی از قرن چهارم هجری، با مقدمه هنری کربن، تهران: خیابان اردیبهشت.
- سزگین، فؤاد (۱۳۸۰)، **تاریخ نگارش های عربی**، ترجمه مؤسسه نشر فهرستگان، تهران: اشراقی.
- طبری، علی بن سهل بن ربن (۱۳۹۳)، **الدین و الدوله فی اثبات نبوت النبی محمد (ص)**، بیروت: دارالآفاق الجدیده.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۷)، **نوادر المعجزات فی مناقب الائمہ الهداء**، قم: دلیل ما.
- طوسی، ابوعلی حسن (خواجه نظام الملک) (۱۳۴۴)، **سیرالملوک (سیاست نامه)**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- غالب، مصطفی (۱۹۶۴)، **الاعلام الاسماعیلیه**، بیروت: دارالیقظه العربیه.
- فریابی، محمد بن جعفر (۱۹۵۴)، **دلایل النبوه و معه**، تصحیح محمود بن محمد حداد، ریاض: دارالطیبه.
- قبادبانی مروزی یمگانی، ابومعین ناصر خسرو (۱۳۶۳)، **جامع الحکمتین**، به اهتمام محمد معین و هانری کربن، کتابخانه طهوری.
- کرمانی، حمیدالدین (۲۵۳۶)، **الاقوال الذهبیه**، تصحیح و مقدمه صلاح صاوی، انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران.
- کرمانی، احمد حمیدالدین (۱۹۸۳)، **راحه العقل**، به کوشش مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس.
- کی منش، رضا، «اثبات عقلانی نبوت در اعلام النبوه»، کتاب ماه فلسفه، پیاپی ۶۷، فروردین ۹۲.
- ماوردی، علی بن محمد (۱۴۰۹)، **اعلام النبوه**، تحقیق خالد عبدالرحمن عک، بیروت، دارالفنایس.
- محقق، مهدی (۱۳۶۸)، **فیلسوف ری**، تهران: نشر نی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۶)، **علم و تمدن در اسلام**، ترجمه احمد آرام، تهران: علمی و فرهنگی.
- همدانی، قاضی بن حسن اسدآبادی (بی تا)، **تثبیت دلایل النبوه**، بیروت: دارالعربیه.
- ۱- Ivanow, W (1963), *Ismaili Literature*, Tehran.